

نگاره‌های اشراقی

تألیف

■
نادیا مفتونی

www.ketab.ir

سرباشانه: مفتونی، نادیا، ۱۳۴۴.
عنوان و نام پدیدآور: نگاره‌های اشراقی / تألیف نادیا مفتونی.
مشخصات نشر: انتشارات وایا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۱۳ ص. ۵ / ۱۴ - ۵ / ۲۱ س م.
فروست وایا: ۱۱ فلسفه: ۴.
شابک: ۹۵۶۷۳-۶۰۰-۹۷۸-۱۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: کتابخانه: ص. ۲۰۳ - ۲۱۳: همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت: نمایه.
موضوع: سپهر وردی، یحیی بن کوش، ۵۴۹-۵۸۷ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع: اشراق (فلسفه)
موضوع: عرفان و هنر
موضوع: سمبولیسم (عرفان)
موضوع: فلسفه اسلامی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ن ۸ م ۷ / BBR ۷۷۱
رده بندی دیویی: ۱/۱۸۹
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۳-۵۳۴

■ عنوان: نگاره‌های اشراقی

■ تألیف: نادیا مفتونی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)
■ مدیر هنری: امیرحسین قوچی بیگ
■ طراح جلد: امیرحسین میرطالبی پور
■ صفحه آرا: رضا علی محمدی
■ ناشر: وایا
■ شابک: ۹۵۶۷۳-۶۰۰-۹۷۸
■ نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۴
■ شمارگان: ۱۰۰۰
■ بها: ۱۵۰۰۰۰
■ چاپخانه: سپهر
■ آدرس الکترونیکی: vaya.pub@gmail.com

◆ فهرست اجمالی

مقدمه / ۹

نگاره روش / ۱۵

نگاره اخلاق / ۶۵

نگاره حکمت / ۱۶۰

فهرستها / ۱۹۳

فهرست تفصیلی

مقدمه / ۹

نگاره روش / ۱۵

داستان پردازی و نمادانگاری / ۱۶

تمثیل و رهیافت بین رشته ای / ۲۲

شیخ اشراق به مثابه هنر- دانشمند / ۲۴

تبیین زبان رمز از نگاه فارابی / ۲۶

تبیین زبان رمز از نگاه شیخ اشراق / ۲۷

رمیافت‌های شیخ اشراق در بینامتنیت قرآن کریم / ۳۳

رمیافت فلسفه و کودک / ۵۵

شیخ اشراق الکوی دراموسوفی / ۵۹

نگاره اخلاق / ۶۵

مقدمه: نکته ای در روش شناسی تولید علم در علوم انسانی / ۶۶

جایگاه شیخ اشراق در اخلاق پژوهی / ۷۳

جایگاه شیخ اشراق در اخلاق / ۷۸

چیستی اخلاق و جایگاه معرفتی آن / ۷۹

مبانی و ارکان دیدگاه‌های اخلاقی شیخ اشراق / ۸۰

مسائل اخلاق / ۸۰

شیخ اشراق و الکوی رفتار ارتباطی چهار وجهی / ۹۹

اخلاق علم نزد شیخ اشراق / ۱۰۶

فلسفه به منزله سبک زندگی نزد شیخ اشراق / ۱۱۵

جستجوی مدلی برای اخلاق هنر / ۱۴۷

فلسفه سیاسی شیخ اشراق / ۱۵۷

نگاره حکمت / ۱۶۰

نظریه خیال / ۱۶۰

نظریه ابصار / ۱۶۱

نظریه خیال اشراقی / ۱۶۴

نظریه ابصار به مثابه مبنای نظریه خیال / ۱۶۶

لازمه نظریه خیال سهروردی: جسمانیت یا تجرد خیال / ۱۶۹

دیدگاه شیخ اشراق در معاد جسمانی و تناسخ / ۱۷۳

نگاه متکلمان / ۱۷۵

دیدگاه ابن سینا / ۱۷۵

سهروردی و جسم رستخیز / ۱۷۸

نظریه ملاصدرا / ۱۸۲

بررسی تطبیقی دیدگاه پور سینا، شیخ شهاب و صدرا / ۱۸۵

صفحه خاطره / ۱۹۱

فهرستها / ۱۹۳

آیات قرآن / ۱۹۳

اشخاص / ۱۹۶

کتابها / ۱۹۷

اصطلاحات / ۱۹۹

منابع / ۲۰۳

مقدمه

شیخ اشراق، شهاب الدین یحیی بن حبش سهروردی (۵۴۹ - ۵۸۷)، اهل سهرورد زنجان و خفته در خاک حلب، در کتاب‌های متعددی معرفی شده است و نیازی به تکرار زندگی نامه وی در اینجا نمی‌بینم. یکی از آثاری که زندگی شیخ اشراق به زیبایی در آن مورد تحلیل قرار گرفته، کتاب حکمت / اشراق سهروردی نوشته جناب آقای دکتر سید یحیی یثربی است.^۱

در این مقدمه، چند سطری درباره نوع مواجهه‌ام با آثار شیخ اشراق توضیح خواهم داد. همیشه در همه کلاس‌هایم، اعم از کلاس روش شناسی یا کلاس‌هایی مانند فلسفه اشراق و فلسفه اسلامی، به دانشجویان می‌گویم اینکه من کتابی یا کتاب‌های دانشمندی را تدریس می‌کنم، هرگز به این معنا نیست که وکیل مدافع او و دیدگاه‌های او هستم. حتی اگر سالیانی، متن خاصی را درس می‌دهم، باز اصلاً به این معنا نیست که علاقه ویژه‌ای به یک فیلسوف دارم یا می‌خواهم آراء او را تبلیغ کنم. دنیای علم، مجال بحث و نقد و نظر است و نظریات دانشمندان و فیلسوفان، وحی آسمانی نیست که خالی از خطا باشد و ما نتوانیم

۱. یثربی، حکمت اشراق سهروردی.

به حریم آنها نزدیک شویم.

حتی در کلاس‌های مقطع کارشناسی، مجالی برای نقد و نظر دانشجویان باز می‌کنم و اگر زمان بندی ترمی، اجازه ندهد که به تفصیل وارد نقد همه آرا شوم، دست کم به دانشجویان می‌گویم که مثلاً این اشکالی که درباره ماده و صورت به نظر شما رسیده، از سوی شیخ اشراق هم مطرح شده و قابل تأمل و بررسی است. هر چند ما در برنامه زمان بندی دانشگاهی، فرصت پرداختن به همه این نقدها را نداریم. این کمترین چیزی است که در مقام نقد می‌گویم. گاهی هم فرصت می‌شود که نقدها و آرا و فرضیه‌ها و قیل و قال‌ها را به اختصار مرور کنم.

یک حرف دیگر هم که خصوصاً به دانشجویان فلسفه می‌گویم، این است که اسیر اصطلاحات نشویم. درباره اصطلاحات و استدلال‌های جا افتاده، فکر کنیم، آنها را از اساس به هم بریزیم، به این معنا که پرسیس آیا این سخن، معنادار است؟ آیا معقول است؟ آیا بی‌اشکال است؟ اینطور نشود که پس از ده، بیست، سی سال که در فلسفه مسلط می‌شویم، صرفاً مسلط در محفوظات و اصطلاحات شده باشیم. یعنی از فهم فلسفی، بی بهره یا کم بهره باشیم و تنها فرق ما با غیر فیلسوف، این باشد که تعدادی اصطلاح و صفا و کبرای چند استدلال را در خاطر داریم و می‌توانیم به سرعت به ذهن بیاوریم و بر زبان برانیم. فلسفه، برای فکر کردن است، نه حفظ کردن و احیاناً تبعیت کردن و بی‌چون و چرا دنبال کردن. خوب، روشن است که تفکر، نقد را در پی دارد. پس درس فلسفی، بدون نقد، معنا ندارد، هنگامی که معنا نداشت، هویت هم ندارد.

این مطلب را هم باید بیفزایم که اندیشه سهروردی، جوهره‌ای انتقادی دارد. نقدهای شیخ اشراق را چه بپذیریم، چه نپذیریم، قابل درنگ و از جهت شجاعت فکری وی، قابل احترام اند. شیخ اشراق در مقام منتقد از یک خصوصیت اخلاقی دیگر نیز برخوردار است. نقدهای شیخ اشراق بر دیگران، در بیشتر موارد و نه همه موارد، همراه با ادب و احترام است. وی تنها در مواجهه با ابوالبرکات

بغدادی، لحنی متفاوت و توهین آمیز دارد که خودش این لحن را توجیه می کند و در جای خود، به آن خواهم پرداخت.

البته ما هم باید دیدگاه‌های سهروردی را نقد کنیم. چرا که نقد، گوهر فلسفیدن است و این، درسی است که خود شیخ اشراق، بیش از بسیاری دانشمندان دیگر، به ما می دهد. او به نقد و ابداع و تغییر اساسی در فلسفه سینوی، که سنت قدرتمند و مسلط دوراننش بود، اقدام کرد.

یک جمله هم درباره چستی نقد بگویم. در زبان انگلیسی واژه‌هایی متمایز در ارتباط با این بحث وجود دارد: **criticize** و **criticism** در اطلاق اول، به معنای عیب‌یابی و بیان نقیصه‌ها و بدی‌های یک موضوع و در اطلاق دوم، به معنای ارزیابی و بیان نقاط قوت و ضعف و خوبی‌ها و بدی‌های چیزی به کار می رود. اما واژه **critique** تنها در مفهوم ارزیابی و بیان نقاط قوت و ضعف و خوبی‌ها و بدی‌ها استفاده می شود.^۱ معمولاً به دانشجویانی که در تحقیقات خود به وادی نقد ورود پیدا می کنند، یادآور می شوم که نقد به معنای سنجش و توزین و ارزیابی وجوه مثبت و منفی یک اثر است و نباید نقد را به مفهوم عیب جوئی و ستیز و دشمنی گرفت. تصویر واضح و متمایزی از نقد در کتاب *ارمغان نقد*، اثر استاد دانشمند جناب دکتر احد فرامرز قراملکی ارایه شده است.^۲

در اینجا نیز نقد و انتقاد را به معنای سنجش و ارزیابی اثر، اندیشه و نظریه به کار می برم و آن را به عیب یابی محدود نمی کنم. به این ترتیب، نقادی، شامل بیان وجوه قوت و ضعف می شود. از آنجا که نقد و سنجش، مسبوق به فهم و تحلیل است، بدون گزارش تحلیلی یک دیدگاه، نمی توان و نباید به نقد آن پرداخت. این نباید، هم نباید اخلاقی است، هم نباید روشی. حیثیت روشی را بیشتر گفتم. یعنی نقد بدون فهم، بی معناست. جهت اخلاقی را هم به تفصیل در کتاب *پروژهش در آینه اخلاق* عرض کرده‌ام. اینجا به یک وجه اشاره می کنم و

1. Longman Advanced American Dictionary

آن، این است که شما هنگام نقد، به حریم آثار و آرای دیگران وارد می‌شوید و خطای روشی، سبب تعدی به دیگران خواهد شد. البته در کتاب یاد شده، چند توصیه اخلاقی هم به نقد شوندگان نموده‌ام. به هر حال کسی که نقد می‌شود، می‌تواند نقد را به عنوان وسیله ارتقای خود و رفع نواقص کارش تلقی کند. حتی نسبت به نقد ضعیف و ناروا، می‌توان سعه صدر به خرج داد تا فضای بحث و نقد علمی، سخت و تنگ و نفس گیر نشود. برای بهبود این فضا، رعایت ادب نوشتن و سخن گفتن با مخالفان، بسیار مهم است. سخن تلخ را می‌توان به نرمی و ملایمت و همراه با مقدمه‌ای شیرین و مثلاً تشویق آمیز گفت. البته این گونه سخن گفتن، مستلزم آن است که انسان به دیگران، نگاهی مهربان داشته باشد. خلاصه می‌خواهم بگویم در مقام نقد، اینکه چگونه سخن می‌گوییم، مهم تر از این است که چه می‌گوییم.

اما یک جمله هم درباره نامی که برای این کتاب انتخاب کرده‌ام؛ این نام، یعنی نگاره‌های اشراقی، مشتمل بر واژه نگاره است. نگاره به معنای ایماژ، شکل و تصویر به کار می‌رود. من آن را هم به معنای نقش و نگار و تصویر، هم به معنای اسم مصدر و حاصل مصدر نگاشتن، یعنی نوشته، بر فرض اغماض و قبول درستی این دومی، به کار می‌برم. تلمیح نقش و نگار، از آن روست که شیخ اشراق، اهل مشاهده و در روش فلسفی خود، قائل به شهود و مکاشفه است و مهم تر از آن، قائل به عالم مثال شده که جهان صور معلقه و مثل قائمه و به تعبیر دیگر، جهان اشکال، تصاویر و ایماژهاست.

نگاره‌های اشراقی شامل سه بخش است: نگاره روش، نگاره اخلاق و نگاره حکمت. در این نگاره‌ها، طبعاً تمرکز من بیشتر بر مسایلی است که در دوران تحقیق و تدریس حکمت اشراق، در دانشکده الهیات، با آنها سر و کار داشته‌ام. قصد نداشته‌ام که همه مسائل این حوزه‌ها را در شمار آورم؛ نه قصد داشته‌ام، نه

۱. ایماژ، تلفظ فرانسوی واژه است. این لغت از ریشه لاتین *imago* و *imagin* آمده و احتمال داده اند ارتباطی هم به واژه لاتین *imitari* داشته باشد که ریشه *imitate* به معنای تقلید است.

توان آن را داشته‌ام. استادان و محققان، با درجات متفاوتی از نام‌آوری، توانمندی و دقت علمی، به این حوزه‌ها ورود نموده‌اند. من تنها به همان چند مساله‌ای پرداخته‌ام که درباره آنها، با بضاعت مزجات خویش، بررسی و تحقیق کرده‌ام.

۱. نگاره روش، شامل برخی مسائل روش‌شناختی، به ویژه مساله رهیافت بین رشته‌ای و روی آورد نمادشناختی شیخ اشراق در زبان علم است. روش را در این نگاره به معنای اعم آن به کار می‌برم که روی آورد و رهیافت را هم در بر می‌گیرد.^۱ مفهوم هنر- دانشمند و رویکرد شیخ اشراق به مثابه هنر- دانشمند و جایگاه خود سهروردی را به عنوان یک هنر- دانشمند در مدینه فاضله‌ای که فارابی تعریف می‌کند، گزارش کرده‌ام و همچنین رهیافت‌های گوناگون شیخ شهاب الدین را در خصوص بینامتنیت قرآن کریم مورد بررسی قرار داده‌ام. پس از تدوین رهیافت‌های شیخ اشراق، الگویی برای گستره فلسفه و کودک اخذ کرده‌ام، همچنین در جستجوی مدلی برای دراموسوفی، یعنی تحلیل اخلاقی - فلسفی آثار هنری برآمده‌ام.

۲. نگاره اخلاق، از یک سو مشتمل بر تأمل در اخلاق پژوهی شیخ اشراق، و از دیگر سو در بر گیرنده بعضی از دیدگاه‌های اخلاقی و فرا اخلاقی اوست. دیدگاه‌های سهروردی در حوزه اخلاق و فرا اخلاق را می‌توان در سه بخش عمده چپستی، مبانی و مسائل جای داد. بخش اول، بحث از چپستی و هویت و جایگاه معرفتی اخلاق و نسبت اخلاق با فلسفه است که به اختصار به آن پرداخته‌ام. بخش دوم، مطالعه در مبانی و ارکان نظریات یا دیدگاه‌های اخلاقی شیخ اشراق است. در این بخش، به صورت مطالعه موردپژوهانه، نسبت میان زیبایی و عشق را آورده‌ام. سومین بخش، فرا گیرنده مسائل اخلاق است که در این بخش، چند مساله را پیش رو قرار داده‌ام. برخی از این مسائل، مانند الگویی رفتار ارتباطی چهار وجهی نزد سهروردی و اخلاق علم از نگاه وی را با تفصیل

۱. درباره مفهوم این اصطلاحات بنگرید به: فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۱۹۵.

کمتر گزارش کرده‌ام و مساله فلسفه به منزله سبک زندگی نزد شیخ اشراق را با تفصیل بیشتری تحقیق نموده‌ام. پس از پرداختن به مسائل یاد شده، پیوستی هم بر مسائل اخلاق افزوده‌ام و ضمن آن، در جستجوی مدلی برای اخلاق هنر و هنرمندان و موسسات هنری، نکاتی را آورده‌ام.

به علت ارتباط تنگاتنگ سیاست و اخلاق، فلسفه سیاسی شیخ را هم در پایان نگاره اخلاق مورد اشاره قرار داده‌ام.

۳. نگاره حکمت، مشتمل بر چند مساله نفس شناختی، معرفت شناختی، جهان شناختی و کلامی نزد شیخ اشراق است. نظریه خیال، از سه وجه روان شناختی، معرفت شناختی و جهان شناختی برخوردار است. بنابراین تفکیک میان این سه حوزه، دشوار می‌نماید. مساله معاد جسمانی، مساله ای فلسفی - کلامی است که در زاویه ای که من تحقیق کرده‌ام، از ثمرات نظریه خیال است. به همین سبب، وجه کلامی را هم به دنبال آن سه وجه دیگر آورده‌ام. حکما در بحث از معاد جسمانی، ناچار شده‌اند به مساله تناسخ نیز بپردازند که طبعاً در تحقیق دیدگاه شیخ اشراق در خصوص معاد جسمانی نیز مباحث وی به مساله تناسخ پیوند می‌خورد.